

دل دادهام بر باد، بر هر چه بادا باد ای عشق از آتش اصل و نسب داری آب از تو توفان شد، خاک از تو خاکستر هر قصر بی شیرین، چون بیستون ویران هفتاد پست ما از نسل غم بودند از خاک ما در باد، بوی تو می آید

مجنون تر از لیلی، شیرین تر از فرهاد از تیره ی دودی، از دودمان باد از بوی تو آتش، در جان باد افتاد هر کوه بی فرهاد، کاهی به دست باد ارث پدر ما را، اندوه مادر زاد تنها تو می مانی، ما می رویم از باد

صفحه ۶ شماره ۲۲۱۴ سال بیست و چهارم

ادبی و هنری

بهار یعنی: قیامت روز محشر همه سر را ز خاک آورده بیرون سراسر دشت و صحرا سیزه و گل به صدف بنشسته سوسن با بنفشه کنار شنبلیله و نرگس بخنده هوا پر گشته از بوی بهار و یاس و شب بو اقای می برد دل از فناری و گنجشک می برد تا سرو آزاد شکوفه بر تن لخت درخت با مهر بانی بخواند او مرا، ما را به گلگشت و تماشا بهار یعنی: حضوری عارفانه به باغ دلکش خوب خدای وضو یا آب باران بهاری سجودی با تلاوت کردن آیات هستی سماعی عاشقانه در طبیعت بهار یعنی: که الفت با طبیعت و بی بودن به رمز و راز بودن طراوت، تازگی، بوییدن گل و شور و شوق آوای پرند هوی تازه خوردن تحول، نوشدن از نو شکفتن چون شکوفه بهار یعنی: که طرحی نو کشیدن و حرفی تازه گفتن بهار یعنی: که فرصت و پیمانی دوباره با رفیقان رفاقت، با همه همراه بودن نشتن تا تو و گل گفتن و شادی نمودن



بهار یعنی: قیامت روز محشر همه سر را ز خاک آورده بیرون سراسر دشت و صحرا سیزه و گل به صدف بنشسته سوسن با بنفشه کنار شنبلیله و نرگس بخنده هوا پر گشته از بوی بهار و یاس و شب بو اقای می برد دل از فناری و گنجشک می برد تا سرو آزاد شکوفه بر تن لخت درخت با مهر بانی بخواند او مرا، ما را به گلگشت و تماشا بهار یعنی: حضوری عارفانه به باغ دلکش خوب خدای وضو یا آب باران بهاری سجودی با تلاوت کردن آیات هستی سماعی عاشقانه در طبیعت بهار یعنی: که الفت با طبیعت و بی بودن به رمز و راز بودن طراوت، تازگی، بوییدن گل و شور و شوق آوای پرند هوی تازه خوردن تحول، نوشدن از نو شکفتن چون شکوفه بهار یعنی: که طرحی نو کشیدن و حرفی تازه گفتن بهار یعنی: که فرصت و پیمانی دوباره با رفیقان رفاقت، با همه همراه بودن نشتن تا تو و گل گفتن و شادی نمودن

هم سفر پیرهن تازه به تن کرده طبیعت گویا تن بی بان زمین نفس گرفته ست به عشق دست نوروز به کیسوی در رفت سبزی می آرایب آب هار بست به پیوی تن به آغوش پر از مهر زمین می پیبر تک در رفتی تنها روی یک تپه دور منتظر قافوشست تا که یک بار دگر رایه پیر طبیعت به تنش رفت تو پوشانر و به کیسوی نسیم دست پر مهر بهار سبزه پیوند زند هم سفر بار دگر آغاز است توی این فاک، کهن و زمین بار دگر عشق می زایب و بس باید آغاز کنیم من و تو بار دگر مثل آغاز زمین دل ز هر کینه و غم پاک کنیم بالگی از لب بند دوست را یار کنیم بر در خانه هم بنویسیم به مهر گر چه این بار نبودیم اما باز هم می آیم شایر این بار در آغوش پر از لطف شما جای شویم



هم سفر پیرهن تازه به تن کرده طبیعت گویا تن بی بان زمین نفس گرفته ست به عشق دست نوروز به کیسوی در رفت سبزی می آرایب آب هار بست به پیوی تن به آغوش پر از مهر زمین می پیبر تک در رفتی تنها روی یک تپه دور منتظر قافوشست تا که یک بار دگر رایه پیر طبیعت به تنش رفت تو پوشانر و به کیسوی نسیم دست پر مهر بهار سبزه پیوند زند هم سفر بار دگر آغاز است توی این فاک، کهن و زمین بار دگر عشق می زایب و بس باید آغاز کنیم من و تو بار دگر مثل آغاز زمین دل ز هر کینه و غم پاک کنیم بالگی از لب بند دوست را یار کنیم بر در خانه هم بنویسیم به مهر گر چه این بار نبودیم اما باز هم می آیم شایر این بار در آغوش پر از لطف شما جای شویم

توبه بی ثبات: در شعرهایی می چکی آرام آرام با من تنفس می کنی از بام تا شام جا کرده ای در لابه لای خاطر ام ای اقتدار توبه های بی ثباتم آجر به آجر خانه ات را دوست دارم هر حالت مردانه ات را دوست دارم این شعر طعم قهوه و سیگار دارد شرم سلام اولین دیدار دارد هم پای چای تازه عصرانه ات، من دیوانه لبخند معصومانه ات، من اهواز پر شد از قدم های من و تو کوچه؛ خیابان؛ سینمای شهر؛ متر و لبریز هستم از طنین گام هایت دارم به سینه دست محض احترامات چون خون برو در هر رگ قلبم قدم رو من پازلی پیچیده هستم، کاشقم شو



توبه بی ثبات: در شعرهایی می چکی آرام آرام با من تنفس می کنی از بام تا شام جا کرده ای در لابه لای خاطر ام ای اقتدار توبه های بی ثباتم آجر به آجر خانه ات را دوست دارم هر حالت مردانه ات را دوست دارم این شعر طعم قهوه و سیگار دارد شرم سلام اولین دیدار دارد هم پای چای تازه عصرانه ات، من دیوانه لبخند معصومانه ات، من اهواز پر شد از قدم های من و تو کوچه؛ خیابان؛ سینمای شهر؛ متر و لبریز هستم از طنین گام هایت دارم به سینه دست محض احترامات چون خون برو در هر رگ قلبم قدم رو من پازلی پیچیده هستم، کاشقم شو

نسورین خواجه برای دست هایم یک شاخه گل بیاور شاید در هوای برخورد دست هایمان ریشه داد! دیگر تبر لازم نیست زمستان خودش را در بهار جا داد درختان حتما خشک می شوند بی نام بی نشان و تنها!



نسورین خواجه برای دست هایم یک شاخه گل بیاور شاید در هوای برخورد دست هایمان ریشه داد! دیگر تبر لازم نیست زمستان خودش را در بهار جا داد درختان حتما خشک می شوند بی نام بی نشان و تنها!

Advertisement for Setadiran Bank, featuring the text 'آگهی فراخوان ارزیابی کیفی' (Quality Evaluation Tender Announcement) and 'مدیریت قراردادهای شرکت سهامی آب منطقه ای فارس' (Management of Contracts of the Fars Regional Water Company). It includes details about the tender process, contact information, and a logo.